

منشأ اختلاف خط واژگان همسان قرآن در قرائات ده گانه

تاریخ دریافت: ۹۵/۶/۲۳ تاریخ پذیرش: ۹۶/۲/۶

مصیب مرزبانی؛ کارشناس ارشد علوم قرآنی دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم
شیدا کریمی؛ کارشناس ارشد تفسیر دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم-کرمانشاه

چکیده

رسم الخط مصحف همان خط ویژه نگارش واژگان قرآن کریم است که به اعتقاد اکثر اندیشمندان حوزه قرآن، اصلتی به قدمت نگارش اولیه قرآن در زمان پیامبر صلی الله علیه و آله دارد که در نگارش‌های بعدی قرآن- در زمان خلیفه اول و سوم و ...- مورد استفاده قرار گرفت. درباره ماهیت این رسم الخط و تفاوت‌های خطی واژگان همسان در آن، سه نظریه توقیفی بودن (تفاوت‌های خطی حکیمانه و به دستور خداوند است)؛ اجتهادی بودن (تفاوت‌های خطی، غلط‌های املائی ناشی از کم توجهی یا بی سوادی کاتبان وحی است) و در آخر، خط قرآن حاوی سنت‌های املائی (تفاوت‌های خطی امری مرسوم در میان خطوط مختلف دیگر بوده که کاتبان وحی این مسئله را از خطوط دیگر وام گرفته و وارد رسم المصحف کردند) است که علاوه بر سه نظر مذکور، چهارمین نظر را می‌توان تأثیر اختلاف قرائات در شکل‌گیری رسم الخط مصحف و خاصه، تفاوت‌های موجود در آن دانست. این مقاله با روش توصیفی - تحلیلی و ابزار کتابخانه‌ای، تعدادی از واژگان همسان با رسم الخط متفاوت را استخراج کرد و نحوه قرائت قاریان ده گانه را بررسی نموده است و در نهایت به این نتیجه دست یافته است که در شکل‌گیری رسم الخط مصحف و تفاوت‌های موجود در آن، اختلاف قرائات مؤثر نبوده، بلکه، رسم الخط مصحف در شکل‌گیری قرائات ضعیف و واحد - قرائات غیر از عاصم - تأثیر به سزایی داشته است.

کلید واژه‌ها: قرآن کریم، رسم الخط مصحف، قراء ده گانه.

رسم الخط قرآن از دیرباز تاکنون، مورد اهتمام و بررسی دانشمندان تفسیر و علوم قرآن بوده است. مشهورترین و رایج‌ترین رسم الخط قرآن به اعتقاد اکثر علماء قرآنی، همان رسم الخط اصیل قرآن و مشهور به رسم المصحف است. همچنین بسیاری از عالمان اهل لغت، بر توثیق این رسم الخط تاکید کرده و برای توجیه قواعد و ضوابط آن، کوشش‌هایی انجام داده‌اند.^۱ رسم المصحف همان نگارش خاص کلمات قرآنی است (با اسلوب و قواعدی متمایز از رسم الخط عربی معمول) که به رسم عثمانی نیز مشهور است.^۲ رسم الخط مصحف یا عثمانی تفاوت قابل ملاحظه‌ای با رسم الخط عربی متقدم دارد که بی شک، رسم الخط قرآن اصل و اساس است و ما باید در بررسی‌ها آن را معیار قرار دهیم^۳ ماهیت رسم الخط مصحف مورد اختلاف عالمان و محققان قرآنی واقع شده است. عده‌ای این رسم الخط را در گیر یک سری سنت‌ها و چارچوب‌های املائی دانسته و دلیل آنها، سنگ نوشته‌ها و خطوط به جای مانده از زمان قبل از پیامبر صلی الله علیه و آله است که تفاوت رسم الخطی واژگان همسان، در آن وجود دارد.^۴ سنت‌های املائی بدین معناست که خط قرآنی (رسم الخط مصحف) از قواعد و ضوابط سایر خطوط قبل از خود مانند سریانی، قواعدی را وام گرفته است که موجبات تفاوت رسم الخط مصحف با خط اصیل عربی را به وجود آورده است. همانگونه که توضیح داده شد به دلیل ورود سنت‌های املائی به قرآن بود که کاتبان وحی از خط سایر بلاد گرفته بودند. جوهره این نظر بر آن استوار است که اختلاف واژگان همسان در قرآن، امری رایج در سایر خطوط آن دوران بوده به عنوان مثال کتابت «طغی یا طغا» با (یاء و الف آخر) جایز بوده است. گروه دیگر بر توقیفی و اجتهادی بودن رسم الخط مصحف اختلاف کرده‌اند و مسئله‌ای به عنوان وجود یا عدم وجود غلط املائی در رسم الخط از اینجا پدیدار گشت.

از موافقان وجود غلط‌های املائی در رسم الخط قرآن (اجتهادی بودن رسم الخط مصحف)، می‌توان به ابن خلدون، ابوبکر باقلانی، صبحی صالح، ابن خطیب، محمد هادی معرفت و از مخالفان: ابوالبناء مراکشی، بدرالدین زرکشی، عبدالعظیم زرقانی و نیز محمد شملول و سامح قلینی از علمای معاصر اشاره نمود که هر کدام در تأیید و تثبیت آراء خود، ادله‌ای بیان نموده‌اند. ابن خلدون حکیمانه بودن تفاوت رسم الخط واژگان همسان قرآن را نقد نموده است.^۵ ابوبکر باقلانی نیز همانند ابن خلدون، به تأیید وجود غلط املائی در رسم الخط قرآن صحه گذاشته است.^۶ در مقابل، مخالفین وجود غلط املائی در رسم الخط قرآن نیز داشته‌های خود را در نبود غلط املائی در رسم الخط قرآن بیان کرده‌اند. دلایل مخالفین عبارتند از: قابلیت تفسیر قرآنی برخی از تفاوت‌های رسم الخطی واژگان همسان، سیر تاریخی تدوین و نگارش قرآن که مخالف وجود غلط املائی در رسم الخط قرآن است. همچنین بیان آراء برخی از دانشمندان بزرگ چون دانی، مراکشی، زرکشی، زرقانی و ...، و نقدهای آنها بر بی‌ثباتی وجود غلط‌های املائی در رسم الخط قرآن، ثبات نظر مخالفین وجود غلط املائی در رسم الخط قرآن را تحکیم بخشیده است. برخی از احادیث نیز توقیفی و عاری بودن رسم الخط قرآن از غلط املائی را بیانگر است که به عنوان نمونه: از مالک بن انس در مورد تغییر رسم الخط قرآن سوال شد. وی مانع این کار شد و رسم الخط قرآن را توقیفی می‌دانست.^۷ همچنین برخی از بزرگان از جمله علامه حسن زاده آملی و مرحوم حاج آقا مصطفی خمینی بر عدم جواز استفاده از رسم الخط دیگری جز رسم المصحف، برای قرآن کریم نظر داشته‌اند؛ زیرا این کار را راهی در دستبرد و فراهم آوردن مقدمات تحریف قرآن پنداشته‌اند.^۸ علاوه بر سه نظر مختلف درباره ماهیت رسم الخط مصحف، در پژوهش حاضر به بیان تأثیر اختلاف قرائات در شکل‌گیری رسم الخط مصحف خواهیم پرداخت.

طرح مسئله

موضوع مهم و مورد بحث در جستار حاضر بررسی این مهم است که آیا اختلاف قرائات قاریان، در شکل گیری رسم الخط مصحف مؤثر بوده است یا خیر؟ آیا ارتباطی میان رسم الخط مصحف و اختلاف قرائات وجود دارد؟ آیا این احتمال وجود دارد که رسم الخط مصحف در شکل گیری قرائات مختلف مؤثر بوده باشد؟

درباره رسم الخط و اختلاف قرائات سه مقاله وجود دارد که به معرفی و بررسی آنان می‌پردازیم: مقاله «بررسی تعامل و تقابل بین دو حوزه قرائت و کتابت قرآن از عصر نزول تا تسبیح قرائات» نوشته محمد رضا حاجی اسماعیلی که در مجله مطالعات اسلامی علوم قرآن و حدیث دانشگاه فردوسی مشهد، سال ۱۳۸۴، شماره ۲۸ و صص ۴۵-۹۷ چاپ شده است. در این مقاله اغلب بین زیادت و نقصان قرآن (تحریف قرآن) و اختلاف قرائات خلط شده مانند (وقال موسی) و (قال موسی) را از نوع اختلاف قرائت پنداشته است. همچنین در تشریح تأثیر و تأثر اختلاف قرائت و رسم الخط مصحف از هم بوده و با وجود مثال‌های اندک و توضیح جزئی محدوده و چگونگی این مسئله بسیار مبهم بیان شده و می‌توان آن را قضاوتی نامناسب و غیر مستدل تلقی کرد. در سراسر مقاله مذکور نویسنده به دنبال ارائه و پیگیری مستندات در ارائه نظرات مختلف بوده و هیچ موضوعی را بی استناد مقبول نمی‌داند حال آنکه، در برخی موارد قضاوت‌های نابجایی در مورد ماهیت رسم الخط کرده است به عنوان مثال در صفحه ۶۱ همین مجله، رسم الخط مصحف را بدون هیچ دلیل علمی و مستند، دارای غلط املائی می‌داند. مهم‌تر آنکه در این مقاله به نحو پیچیده و مبهمی، رسم الخط مصحف و اختلاف قرائات را در تعامل و تقابل باهم، می‌داند که هرکدام از دیگری تأثیر گرفته‌اند. این نظر نمی‌تواند صحیح باشد؛ زیرا در صورت پذیرش این مطلب،

باید قبول کرد که اختلاف قرائات همگی صحیح و از جهتی مورد تأیید پیامبر صلی الله علیه و آله و ائمه علیهم السلام بوده‌اند هرچند موارد نقض این موضوع وجود دارد که در جستار حاضر در مورد آن بحث می‌شود. همچنین نقل و عقل ثابت می‌کند که ابتدا قرآن لفظ بوده و سپس مکتوب شده است. بنابراین عقلانی- تر، آن است که رسم الخط قرآن از قرائت تأثیر پذیرفته باشد نه بالعکس. مقاله بعدی با موضوع «تأثیر اختلاف لهجه قبائل عرب در اختلاف قرائات و رسم الخط مصحف» از استاد یعقوب جعفری در مجله وقف میراث جاویدان، سال ۱۳۷۶، ش ۱۷، صص ۷۴-۸۲ که در این مقاله علاوه بر اختصار و بحث جزیی پیرامون موضوع، این مسئله را مطرح می‌کند که لهجه قبائل در اختلاف قرائات مؤثر بوده و نهایتاً این اختلاف لهجه، موجبات اختلاف رسم الخط واژگان رسم المصحف شده است. در این پژوهش بیان می‌کنیم که این نظر نیز نمی‌تواند صحیح و قابل استناد باشد. آخرین مقاله که پیرامون رسم الخط مصحف و اختلاف قرائات نگاشته شده «بررسی دیدگاه‌های نولدکه در مورد رسم الخط و کتابت قرآن» است که توسط محمد جواد اسکندرلو و حسن حسینی در مجله قرآن پژوهی مستشرقان در سال ۱۳۸۸ و شماره ۶ در صص ۳۱ تا ۶۰ چاپ شد. در این مقاله آراء مستشرق بزرگ یعنی تئودور نولدکه را پیرامون رسم الخط قرآن و اختلاف قرائات مورد بررسی و تحلیل قرار می‌دهد که ارتباطی با مقاله حاضر ندارد.

۱. مفاهیم

الف) رسم الخط در لغت:

تعبیر «رسم الخط» از دو واژه «رسم» و «خط» ترکیب یافته که هر کدام مفهوم خاص خود را دارد و به صورت مرکب بیانگر مفهوم جدیدی است. «رسم» در

لغت معانی گوناگونی دارد که از جمله آنهاست: خراب کردن خانه و باقی گذاشتن نشانه آن، چاه پر شده، ناپدید شدن انسان، نشانه‌های کهنه و قدیمی خانه، آن قسمت از خانه خراب شده که به زمین چسبیده است، همچنین رسم به معنای کشیدن خط روی کاغذ و نیز به معنای آئین و روش و سنت آمده است.^۹

به نظر می‌رسد که رسم در اصل به معنای نشانه و اثر بر جای مانده از چیزی است و بقیه معانی، برگرفته از آن است و اگر به کشیدن خط روی کاغذ هم رسم گفته می‌شود؛ چون نشانه و اثری است که بر جای می‌ماند و البته رسم به این معنا با کتابت تفاوت دارد، کتابت نوشتن کلماتی است که دارای مفهومی است؛ ولی اسم اعم از آن است و به کشیدن هر نوع خطی اطلاق می‌شود.

ب) رسم الخط در اصطلاح:

تعبیر «رسم الخط» به مفهومی که در علوم قرآنی به کار می‌رود عبارت است از طرز نگارش کلمات قرآنی و شیوه‌ای که در کتابت قرآن به کار می‌رود و اینکه چه کلمه‌ای را به چه شکلی می‌نویسند، البته به طوری که خواهیم گفت، معمولاً رسم الخط یک کلمه مطابق با تلفظ آن است و گاهی هم مطابق نیست و رسم الخط حروفی اضافه بر تلفظ دارد مانند والشمس که الف و لام نوشته می‌شود؛ ولی خوانده نمی‌شود و یا کمتر از آن دارد مانند سموات که سین آن همراه با الف خوانده می‌شود و گاهی هم در رسم الخط حرفی نوشته می‌شود و در تلفظ حرف دیگری خوانده می‌شود مانند: صلوة و زکوة. بیشتر این موارد از یک نظام خاصی

پیروی می‌کند و قانونمند است و گاهی هم قانون خاصی ندارد و باید یک یک آن موارد را شناخت.

هر زبانی وقتی به صورت نوشتاری درمی‌آید برای خود قواعد خاص و رسم الخط ویژه‌ای دارد و گاهی به مرور زمان رسم الخط برخی از کلمات تغییر پیدا می‌کنند، زبان عربی نیز همین حالت را دارد به خصوص مصحف شریف در آغاز، رسم الخط ویژه‌ای داشت که همان رسم تا کنون باقی مانده و در عین حال در طول تاریخ در کتابت قرآن رسم الخط‌های دیگری هم معمول شده است.

۲. توضیحات تکمیلی

الف) انواع رسم الخط: به طور کلی رسم الخط بر دو نوع است:

۱-۲-۱- رسم الاملاء: که در آن کلمات، مطابق با تلفظ و نطق نوشته می‌شوند (مگر در برخی موارد استثنایی).

۱-۲-۲- رسم المصحف: این نوع رسم الخط در حقیقت همان «نگارش خاص کلمات قرآن است و از آن به «رسم عثمانی» نیز تعبیر می‌شود.^{۱۱} منشأ این نوع از رسم الخط، مصحف عثمانی است که در زمان عثمان جمع‌آوری و نوشته شد.^{۱۲}

ب) تفاوت‌های رسم المصحف با رسم الخط عربی:

چنان که گذشت، مراد از رسم المصحف نگارش برخی از کلمات قرآن توسط صحابه به شکل مخصوصی است که با قواعد کتابت امروزی مطابقت ندارد که این تفاوت‌ها را در موارد زیر می‌توان خلاصه نمود: حذف، زیادت، ابدال، وصل (موصول)، فصل (مقطوع).^{۱۳}

در این جا به شرح و توضیح و ذکر نمونه‌هایی برای هر مورد می‌پردازیم:

حذف: در رسم عثمانی کلمات زیادی مشاهده می‌گردد که از آنها حرفی حذف گردیده است. در مجموع، حروف محذوفه عبارتند از: «الف، یاء، واو، لام و نون».

- حذف الف

موارد حذف الف عبارتند از:

- حذف الف از جمع مذکر سالم

طبق قواعد رسم المصحف، الف در جمع مذکر سالم نوشته نمی‌شود.^{۱۴} نمونه-

هایی از حذف الف در اسم‌های جمع مذکر سالم: الصّٰدِقِیْنَ (الصّٰدِقِیْنَ) (آل عمران: ۱۷). خلدون (خالدون) (بقره: ۲۵). سمّٰعون (سمّٰعون) (مائده: ۴۲).

السّٰجِدِیْنَ (السّٰجِدِیْنَ) (اعراف: ۱۱).

- حذف الف از جمع مؤنث سالم

المسلّمٰت (المسلّمٰت) (احزاب: ۳۵). جنّٰت (جنّٰت) (بقره: ۲۵). الامنّٰت (الآمانات) (نساء: ۵۸). البقیّٰت (الباقیات) (کهف: ۴۶).

- حذف الف از جمع مکسر

المساکِیْن (المساکین) (بقره: ۱۷۷). ظلّٰل (ظلال) (رعد: ۱۵). مسجّد (مساجد) (توبه: ۱۷). خلئف (خلائف) (انعام: ۱۶۵).

- حذف الف از ضمیر «ناء»

انزلنه (انزلناه) (انعام: ۹۲). اعطینک (اعطیناک) (کوثر: ۱). مکّنهم (مکّنّاهم) (انعام: ۶). زینّها (زینّاهها) (حجر: ۱۶).

- حذف الف از «یاء» نداء

یایّها (یا ایّها) (بقره: ۲۱). یمریم (یا مریم) (آل عمران: ۴۲). یسماء (یا سماء) (هود: ۴۲). یموسی (یا موسی) (بقره: ۵۵).

- حذف الف از «هاء» تنبیه

هتین (هاتین) (قصص: ۲۷). هانتم (ها آتم) (نساء: ۱۰۹). آیه المؤمنون (ایها المؤمنون) (نور: ۳۱).

- حذف الف از اسامی علم

اسحق (اسحاق) (هود: ۷۱). سلیمان (سلیمان) (نمل: ۱۵). عمران (عمران) (آل عمران: ۳۳). اسمعیل (اسماعیل) (ص: ۴۸).

- حذف الف از سایر کلمات

الف) کلماتی که هجای آنها تغییر نکرده (به جای الف حرف دیگری قرار نگرفته است):

خَلَقَ (خَلَقَ) (بقره: ۵). سُلْطَن (سُلْطَن) (اعراف: ۷۱). سَلَمَ (سَلَام) (یس: ۵۸). غَلَمَ (غَلَام) (آل عمران: ۴۰).

ب) کلماتی که الف ممدوه آنها حذف شده و در عوض «و» و «الف» به آنها اضافه شده است (این کلمات اختلافی است و در مصحف به هر دو شکل آمده است):

أَبْنُوا (أَبْنَاءُ) (مائده: ۱۸). أَنْبَأُوا (أَنْبَاءُ) (انعام: ۵). أَلْبَلَّأُوا (الْبَلَاءُ) (صافات: ۱۰۶). نَشَأُوا (نَشَاءُ) (هود: ۸۷).

ج) کلماتی که «الف جمع» از آنها حذف گردیده است.

جاءُوا (جاءُوا) (آل عمران: ۱۸۴). باءُوا (باءُوا) (بقره: ۹۰). فاءُوا (فاءُوا) (بقره: ۲۲۶). سَعَوْا (سَعَوْا) (سبأ: ۵).

- حذف یاء

در قرآن کریم کلمات متعددی مشاهده می‌شود که بدون «یاء» نوشته شده‌اند.^{۱۵} - برخی از این کلمات عبارتند از: ابرهم (ابراهیم) (بقره: ۱۲۴). الافهم (ایلافهم) (قریش: ۲). الحواریین (الحواریین) (صف: ۱۴). ربانین (ربانین) (آل عمران: ۷۹).

- حذف واو

يَسْتَوُونَ (يَسْتَوُونَ) (توبه: ۱۹). الْغَاوُونَ (الغَاوُونَ) (شعراء: ۹۴). يَدْعُ (يَدْعُو) (اسراء: ۱۱). سَدَعُ (سَدَعُو) (علق: ۱۸).

- حذف لام

أَلِيل (أَلِيل) (یس: ۴۰). أَلْتِي (أَلَاتِي) (نساء: ۲۳). أَلْتِي (اللائِي) (طلاق: ۴). أَلْدَانِ (أَلْدَان) (نساء: ۱۶).

- حذف نون

حذف نون فقط در یک کلمه آمده است: نُجِي (نُجِي) (انبیاء: ۸۸).
زیادت: حروفی که معمولاً به صورت زاید، بر برخی از کلمات عارض شده‌اند، عبارتند از: «الف»، «یا»، و «واو».

- زیادت الف

کلماتی که با زیادت الف در قرآن آمده است اختلافی است؛ یعنی در بعضی از سوره‌ها با زیادت الف و در بعضی از سوره‌ها بدون الف ضبط شده‌اند، نمونه‌هایی از موارد زیادت الف:

لِشَايِءٍ (لِشَايِء) (كهف: ۲۳). لَكِنَّا (لَكِن) (كهف: ۳۸). لَأَذْبَحَنَّهُ (لَأَذْبَحَنَّهُ) (نمل: ۲۱).

- زیادت یاء

أَفَايِن (أَفَان) (آل عمران: ۱۴۴). نَبَايِ (نَبَا) (انعام: ۳۴). بَايِيكُم (بَايِيكُم) (قلم: ۶). بَايِيدِ (بَايِيد) (ذاریات: ۴۷).

-زیادت واو

سَأُورِيكُم (سَأُورِيكُم) (اعراف: ۱۴۵).

ابدال: منظور از ابدال در این جا تبدیل شدن یک حرف به حرف دیگر در کتابت است. موارد ابدال عبارتند از:

- ابدال «الف» به «واو»

الصَّلَوَةُ (الصلاة) (حج: ۷۸). الزَّكَاةُ (الزكاة) (نور: ۳۷). بِالْغَدْوَةِ (بالغدوة) (انعام: ۵۲).
مَنَوَةٌ (مناة) (نجم: ۲۰).

- ابدال «الف» به «یاء»

بُشْرِيكُمْ (بُشراکم) (حدید: ۱۲). ضَحِيهَا (ضُحاهها) (نازعات: ۲۹). دَعَوِيهِمْ (دَعواهم)
(اعراف: ۵).

- ابدال «یاء» به «الف»

بر طبق املاى معاصر، کلمات ناقص (کلماتى که لام الفعل آنها «یاء» و یا «واو» است) که در اولین صیغه ماضی آنها در اثر اعلال، حرف ناقص به الف منقلب می شود، در رسم الخط باید به الف مقصوره «ی» نوشته شوند. اما در برخی موارد در رسم المصحف بر خلاف این اصل عمل شده است. مانند:
طَعَا (طَعى) (حاقه: ۱۱). رَأَى (رأى) (هود: ۷۰). تَرَأَى (تراءى) (شعراء: ۶۱). نَثَا (نَثى) (اسراء: ۸۳).

- ابدال «ة» به «ت»

رَحْمَتٍ (رَحمة) (بقره: ۲۱۸). نَعَمَتٍ (نعمه) (نحل: ۷۲). سُنَّتٍ (سنة) (انفال: ۳۸).
شَجَرَتٍ (شجرة) (دخان: ۴۳).

- سایر موارد

ابدال نون تأکید خفیفه به تنوین:

لَيَكُونًا (ليكونن) (يوسف: ۳۲). لَنَسْفَعًا (لَنَسْفَعن) (علق: ۱۵).

ابدال تنوین به نون:

كَأَيِّنٍ (كأى) (يوسف: ۱۰۵)

ابدال «س» به «ص»:

يَبْصُطُ (يَبْسُطُ) (بقره: ۲۴۵). بِمُصَيِّرٍ (بِمُصَيِّرٍ) (غاشیه: ۲۲). بَصْطَةً (بَسْطَةً) (اعراف: ۶۹).

مقطوع: منظور از مقطوع کلماتی هستند که باید به صورت متصل (سرهم) نوشته شوند، ولی در مصحف به صورت منفصل (جدا از هم) نوشته شده‌اند.

کلماتی که در قرآن به صورت مقطوع ضبط گردیده‌اند، عبارتند از:

فَمَالِ هَؤُلَاءِ (فَمَا لِهَؤُلَاءِ) (نساء: ۷۸). فَمَالِ هَذَا الرَّسُولِ (فَمَا لِهَذَا الرَّسُولِ) (فرقان: ۷). فَمَالِ هَذَا الْكِتَابِ (فَمَا لِهَذَا الْكِتَابِ) (کهف: ۴۹). فَمَالِ الَّذِينَ كَفَرُوا (فَمَا لِلَّذِينَ كَفَرُوا) (معراج: ۳۶).

موصول: منظور از موصول کلماتی هستند که باید به صورت منفصل (جدا از هم) نوشته شوند، ولی در مصحف به صورت متصل (سرهم) نوشته شده‌اند. کلمات موصول را می‌توان به دو دسته تقسیم کرد:

۱. کلماتی که به علت رابطه صوتی، متصل نوشته شده‌اند. این نوع از اتصال معمولاً در موضع ادغام صورت می‌گیرد. مانند:

مَمَّا (مِنْ مَا) (بقره: ۳). فَأَلَمَ (فَأَنْ لَمْ) (هود: ۱۴). أَمَّنْ (أَمْ مَنْ) (نمل: ۶۰). أَلَّنْ (أَنْ لَنْ) (قیامه: ۳).

۲. کلماتی که بدون داشتن رابطه صوتی، متصل نوشته شده‌اند:

فِيْمَا (فِي مَا) (بقره: ۱۱۳). آيِنَمَا (أَيْنَ مَا) (نحل: ۷۶). بِئِسْمَا (بِئْسَ مَا) (اعراف: ۱۵۰). يَبْنُوْمٌ (طه: ۹۴).

۳. تأثیر اختلاف قرائات در رسم الخط مصحف

با توجه به توضیحات بیان شده در بخش «تفاوت‌های رسم المصحف با رسم الخط عربی»، این اختلافات موجود در رسم الخط مصحف با خط عربی را از منظر علم قرائات بررسی می‌نماییم:

الف) حذف و اثبات الف

واژگان «أَيَّه و أَيَّها»: این آیه در بیش از صد آیه از قرآن آورده شده که در تمام مواضع، با الف بعد از هاء نگاشته شده و تنها در سه آیه بدون الف بعد از هاء نگارش شده است:

- ﴿سَنَفْرُغُ لَكُمْ أَيَّهَ الثَّقَلَانِ﴾ (رحمن: ۳۱)؛ ترجمه: (ای دو گرانبایگان (انسان‌ها و جنیان) بزودی به (حساب) شما می‌پردازیم).

- ﴿... وَ تَوَبُّوا إِلَى اللَّهِ جَمِيعًا أَيَّهَ الْمُؤْمِنُونَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ﴾ (نور: ۳۱)؛ ترجمه: (و ای مؤمنان! همگی به سوی خدا بازگردید باشد که شما رستگار (و پیروز) شوید).

- ﴿وَ قَالُوا يَا أَيُّهَ السَّاحِرِ ادْعُ لَنَا رَبَّكَ بِمَا عَهِدَ عِنْدَكَ إِنَّا لَمُهْتَدُونَ﴾ (زخرف: ۴۹)؛ ترجمه: (و گفتند: ای ساحر! از پروردگارت به عهده‌ی که نزد تو دارد برای ما بخواه، که مسلماً ما ره یافته‌ایم).

قاریان در قرائت آیه با هم اختلاف کرده‌اند:

ابن عامر شامی آیه را به ضمه هاء و حذف الف قرائت کرده است.^{۱۶} در خصوص این نوع قرائت ثعلب گفته: هر کس هاء را به ضمه قرائت کند انگار که (أَيَّ و هاء) را به منزله کلمه واحدی دانسته است.^{۱۷} سایر قاریان به فتح هاء و حذف الف قرائت کرده‌اند.^{۱۸} این گروه از قاریان علت حذف الف را التقاء ساکنین و دلیل آوردن فتحه را بدل از حذف الف دانسته‌اند.^{۱۹}

واژگان «سِرَاجًا و سِرَاجًا»: واژه مورد نظر در سه آیه قرآن کریم با الف بعد از راء نگارش شده و تنها در سوره فرقان آیه ۶۱ بدون الف بعد از راء نگاشته شده است:

- ﴿تَبَارَكَ الَّذِي جَعَلَ فِي السَّمَاءِ بُرُوجًا وَ جَعَلَ فِيهَا سُرَّجًا وَ قَمَرًا مُنِيرًا﴾ (فرقان: ۶۱)؛ ترجمه: (خجسته (و پایدار) است آن (خدایی) که در آسمان برج‌هایی قرار داد؛ و در آن، چراغ (خورشید) و ماهی روشنی بخش قرار داد).

قاریان نیز در این موضع اختلاف قرائت داشته‌اند: حمزه، کسایی و خلف به ضم سین و راء بدون الف بعد از راء (سُرَّجاً) قرائت کرده‌اند. سُرُج جمع کواکب و مصابیح است.^{۲۰} نافع، ابن کثیر، ابو عمرو، ابن عامر، عاصم، ابوجعفر و یعقوب به کسر سین و فتح راء می‌خوانند و الف بعد از راء در واژه، دلالت بر مفرد بودن آن می‌کند «سِرَّاجاً».^{۲۱} به دو دلیل سراج در این آیه بر خورشید دلالت دارد: اول آن که شمس و قمر در غالب آیات با هم می‌آیند و دوم در آیه بروج به ستارگان دلالت دارد و وجهی ندارد که باز هم سراج به ستارگان دلالت کند.^{۲۲} واژگان «عِبَادَنَا وَ عِبَدْنَا»: واژه ذکر شده در بسیاری از آیات قرآن با ذکر الف بعد از باء نگاشته شده جز در آیه ۴۵ سوره صاد:

- ﴿وَ اذْكُرْ عِبَادَنَا اِبْرَاهِيمَ وَ اسْحٰقَ وَ يَعْقُوبَ اُولٰٓئِذِ الْاَيْدِي وَ الْاَبْصَارِ﴾؛ ترجمه: (و یادکن بندگان ما ابراهیم و اسحاق و یعقوب را، که صاحبان دستان (نیرومند) و چشمان (با بصیرت) بودند).

در میان قاریان عشره نیز این مسئله مورد اختلاف قرار گرفته: ابن کثیر مکی به فتح عین و سکون باء بدون الف بعد آن، به شکل «عَبَدْنَا» قرائت کرده که این وزن دلالت بر یکتایی می‌کند و بی نظیر بودن حضرت ابراهیم علیه السلام را بیانگر است.^{۲۳} سایر قاریان بکسر عین و فتح باء و وجود الف بعد از آن «عِبَادَنَا» قرائت کرده‌اند.^{۲۴}

واژگان «كَبَّاتِرٌ وَ كَبَّيْرٌ»: این واژگان در سه از آیه قرآن کریم و با دو رسم الخط آورده شده‌اند:

﴿إِنْ تَجْتَنِبُوا كَبَائِرَ مَا تُنْهَوْنَ عَنْهُ نُكَفِّرْ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ وَنُدْخِلْكُمْ مُدْخَلًا كَرِيمًا﴾
 (نساء: ۳۱)؛ ترجمه: (اگر از گناهان بزرگی که از آن [ها] منع می‌شوید، دوری کنید، بدی‌هایتان را از شما می‌زداییم و شما را در جایگاه ارجمندی وارد می‌سازیم).

﴿وَالَّذِينَ يَجْتَنِبُونَ كَبِيرَ الْإِثْمِ وَالْفَوَاحِشَ وَإِذَا مَا غَضِبُوا هُمْ يَغْفِرُونَ﴾
 (شوری: ۳۷)؛ ترجمه: (و (همان) کسانی که از گناهان بزرگ و [کارهای] زشت پرهیز می‌کنند، و هنگامی که خشمگین شوند، آنان، می‌آمرزند).

﴿الَّذِينَ يَجْتَنِبُونَ كَبِيرَ الْإِثْمِ وَالْفَوَاحِشَ إِلَّا اللَّمَمَ إِنَّ رَبَّكَ وَاسِعُ الْمَغْفِرَةِ هُوَ أَعْلَمُ بِكُمْ إِذْ أَنْشَأَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَإِذْ أَنْتُمْ أَجِنَّةٌ فِي بُطُونِ أُمَّهَاتِكُمْ فَلَا تُزَكُّوا أَنْفُسَكُمْ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنِ اتَّقَى﴾ (نجم: ۳۲)؛ ترجمه: ((همان) کسانی که از گناهان بزرگ و [کارهای] زشت پرهیز می‌کنند، مگر گناه کوچک، که پروردگارت گسترده آمرزش است. او به شما داناتر است، آنگاه که شما را از زمین پدید آورد و آنگاه که شما در شکم‌های مادرانتان جنین [پنهان] بودید. پس خودتان را [پاک و] رشد یافته نشمرید (و خودستایی نکنید)؛ که او به کسی که خود نگهداری (و پارسایی) کند داناتر است).

واژه در سوره‌های نجم و شوری بدون الف بعد از باء و در سوره نساء با الف بعد از باء نگارش شده و قاریان در سوره شوری و نجم اختلاف کرده‌اند و در سوره نساء متفق القولند. حمزه، کسایی و خلف با کسر باء بعد از یاء که بر وزن فعیل (کبیر) می‌شود قرائت کرده‌اند. مانند سوره نساء آیه ۶۹ که معادل رفیق را می‌توان رفقاء گفت. همچنین واژه الاثم را می‌توان به جای الاثان به کار برد؛ زیرا مصدر بر کثرت و فراوانی دلالت می‌کند.^{۲۵} سایر قاریان عشره نیز به فتح باء، اثبات الف بعد از آن و همزه مکسور بعد از الف قرائت کرده‌اند.^{۲۶}

واژگان (تَمُودَ و تَمُودًا): این واژه در همه جا عادی و در چهار آیه با الف آورده شده:

- ﴿كَأَن لَّمْ يَغْنَوْا فِيهَا أَلَا إِنَّ تَمُودًا كَفَرُوا رَبَّهُمْ أَلَا بُعْدًا لِتَمُودَ﴾ (هود: ۶۸)؛ ترجمه: (آنچنان نابود شدند که) گویا در آن (خانه‌ها) ساکن نبودند! آگاه باشید که (قوم) تمود به پروردگارشان کفر ورزیدند، هان، (قوم) تمود (از رحمت پروردگار) دور باد!).

- ﴿وَ عَادًا وَ تَمُودًا وَ أَصْحَابَ الرَّسِّ وَ قُرُونًا بَيْنَ ذَلِكَ كَثِيرًا﴾ (فرقان: ۳۸)؛ ترجمه: (و قوم عاد و تمود و اصحاب الرّسّ (یاران چاه و پرستندگان صنوبر) و گروه‌های زیادی را که بین آنان بودند، (هلاک کردیم).

- ﴿وَ عَادًا وَ تَمُودًا وَ قَدْ تَبَيَّنَ لَكُمْ مِّن مَّسَاكِينِهِمْ وَ زَيْنَ لَهُمُ الشَّيْطَانُ أَعْمَالَهُمْ فَصَدَّهُمْ عَنِ السَّبِيلِ وَ كَانُوا مُسْتَبْصِرِينَ﴾ (عنکبوت: ۳۸)؛ ترجمه: (و (قوم) عاد «و» تمود «را (نیز هلاک کردیم) و بیقین (این) از خانه‌های (ویران شده) آنان برای شما آشکار شده است و شیطان کارهایشان را برای آنان آراست و آنان را از راه (خدا) بازداشت در حالی که آنان بینا بودند).

- ﴿وَ تَمُودًا فَمَا أَبْقَى﴾ (نجم: ۵۱)؛ ترجمه: (و (نیز قوم) تمود را (هلاک کرد) و باقی نگذاشت).

در چهار آیه ذکر شده، تمود با الف بعد از دال نگاشته شده و این الف تنها در خط آمده و تلفظ نمی‌گردد. وجود الف ناخوانا در آخر این واژه در برخی از مواضع، اختلاف قرائت‌های مختلف را می‌رساند. برخی از قراء عشره از جمله؛ نافع، ابن کثیر، ابو عمرو، ابن عامر، کسایی، ابوجعفر و خلف در این چهار موضع، واژه تمود را با تنوین آخر قرائت کرده‌اند.^{۲۷} چون «تَمُودَ» مذکر است و مذکراً خوانده می‌شود و مانند قبایل ثقیف و قریش می‌شد. گروه ذکر شده از قاریان که

با تنوین قرائت می‌کنند الف ناخوانا را عوض از تنوین قرار می‌دهند و اما سایر قاریان -حفص، حمزه و یعقوب- بدون تنوین قرائت می‌کنند.^{۲۸}

واژگان «الایکَه و لیکَه»: این واژگان همسان با رسم الخط متفاوت در چهار جای قرآن کریم به کار برده شده‌اند:

- ﴿وَإِنْ كَانَ أَصْحَابُ الْأَيْكَةِ لظَالِمِينَ﴾ (حجر: ۷۸)؛ ترجمه: (و مسلماً اهل ایکه سرزمین پر درخت قوم شعیب) ستمکار بودند).

- ﴿وَاصْحَابُ الْأَيْكَةِ وَقَوْمٌ تُبَعِّ كُلُّ كَذَبٍ الرُّسُلَ فَحَقَّ وَعِيدِ﴾ (ق: ۱۴)؛ ترجمه: (و اهل ایکه (سرزمین پردرخت قوم شعیب) و قوم تبع، همه (اینان) فرستادگان (خدا) را تکذیب کردند، پس تهدید (عذاب من درباره آنان) تحقق یافت).

- ﴿كَذَّبَ أَصْحَابُ لَيْكَةِ الْمُرْسَلِينَ﴾ (شعراء: ۱۷۶)؛ ترجمه: (اهل ایکه (سرزمین پر درخت قوم شعیب) فرستادگان [خدا] را تکذیب کردند).

- ﴿وَثَمُودُ وَقَوْمٌ لُوطٍ وَأَصْحَابُ لَيْكَةِ أُولَئِكَ الْأَحْزَابُ﴾ (ص: ۱۳)؛ ترجمه: (و (نیز) ثمود و قوم لوط و اهل ایکه (سرزمین پردرخت قوم شعیب) آنان حزب‌هایی بودند (که پیامبران را تکذیب کردند).

رسم الخط واژه در آیات حجر ۷۸ و ق ۱۳ با دو موضع دیگر متفاوت است. در این دو موضع، همزه وصل قبل از لام آورده شده است. قاریان ده گانه در برابر این آیات بازتاب‌های متفاوتی داشته‌اند. نافع، ابن کثیر، ابن عامر و ابوجعفر در سُوْر شعراء و صاد لام مفتوحه‌ای آورده‌اند که همزه وصل، قبل و بعد آن نیست و تاء آخر کلمه را نصب داده‌اند «لَيْكَه». ^{۲۹} در این قرائت، بر وزن (فَعَلَه) قرار داده شده که اسم معرفه برای سرزمینی است. ^{۳۰} ابو عمرو، عاصم، حمزه، کسایی، یعقوب و خلف به اسکان لام، همزه وصل قبل از آن، همزه قطع مفتوحه بعد از آن و مفتوح کردن تاء آخر واژه «الایکَه» قرائت کرده‌اند. ^{۳۱} عِلَّت این قرائت آن

است که (ایکه) اسمی نکره است برای جایی که شهر و دوم در آن وجود دارد، سپس الف و لام تعریف بر آن وارد شده است.^{۳۲} واژگان «لَکِنَّا و لَکِنِ اَنَا»: این واژه که در سوره کهف آیه ۳۸ آمده متشکل از (لکن) بعلاوه الف ناخوانا است:

﴿لَکِنَّا هُوَ اللّٰهُ رَبِّیَّ وَ لَا اُشْرَکُ بِرَبِّیَّ اَحَدًا﴾؛ ترجمه: (ولی من (می گویم): که خدا پروردگار من است و هیچ کس را شریک پروردگارم قرار نمی دهم).

این واژه در تمام مصاحف به اثبات الف بعد از نون نگاشته شده است.^{۳۳} لَکِنَّا در اصل از (لکن و اَنَا) تشکیل شده که لکن حرف استدراک مخفف و انا ضمیر متکلم منفصل است و نحو یون درباره آن اختلاف کرده اند. ابوعلی فارسی می گوید: همزه بدون هیچ علتی حذف می شود و دو نون که به هم می رسند، چون نون اول ساکن است پس دو نون در هم ادغام می شوند. زجاج نیز می گوید: حرکت همزه به نون ساکن منتقل می شود و سپس همزه حذف می شود؛ پس دو مثل با هم جمع می شوند و چون نون اول ساکن است پس دو نون در هم ادغام می شوند.^{۳۴} ابن عاشور شامی و ابوجعفر و رویش از یعقوب قرائت می کنند به اثبات الف بعد از نون در حالات وصل و وقف ولیکن، سایر قاریان به حذف الف در حالت وصل و وقف قرائت می کنند.^{۳۵}

(ب) حذف و اثبات یاء

- واژگان «إِبْرَاهِیْم و إِبْرَاهِیْم»: واژه إِبْرَاهِیْم بدون یاء، پانزده بار در سوره بقره آورده شده و این نوع حذف هاء، در مصاحف عراقی و شامی نیز بوده و همچنین در مصحف متداول نیز بدین شکل رسم شده است.^{۳۶} عَلَتْ حذف یاء در علم قرائات واضح و تابع اختلاف قاریان در قرائت این واژه به دو صورت است:

قرائتی که این واژه را با الف بعد از هاء تلفظ کرده و این نوع قرائت هشام در روایت از ابن عامر است و ابن ذکوان نیز در این موضع اختلاف کرده و به شکل شرح آن را آورده است: اول قرائت مانند ابن هشام و دوم قرائت واژه با کسر یاء و آوردن یاء بعد از هاء که قرائتی عام و مربوط به سایر قراء است.^{۳۷} حذف یاء در این واژه به دلیل وجود قرائات مختلف بر آن است. واژه **إِبْرَاهِيمَ** عَلمِ عربی است و در مورد آن گفته شده که در اصل «أَب رَحِيم» بوده و هفت وجه برای آن آورده شده: مشهورترین آن **إِبْرَاهِيمَ** با الف و یاء است؛ دیگری **إِبْرَاهِمَ** با دو الف؛ دیگری با الف بعد از راء و کسره هاء بدون یاء (**إِبْرَاهِمَ**)؛ و مانند قبلی فقط هاء فتحه داشته و همچنین مانند قبلی هاء ضمه داشته و نیز هاء با فتحه بدون الف و یاء و کلمه **أَبْرَاهوم**.^{۳۸}

ج) قلب سین و صاد

- واژگان «بَسَطَهُ و بَصَطَهُ»: این واژگان در دو موضع از قرآن کریم وجود دارد:
 - ﴿وَقَالَ لَهُمْ نَبِيُّهُمْ إِنَّ اللَّهَ قَدْ بَعَثَ لَكُمْ طَالُوتَ مَلِكًا قَالُوا أَنَّى يَكُونُ لَهُ الْمُلْكُ عَلَيْنَا وَنَحْنُ أَحَقُّ بِالْمُلْكِ مِنْهُ وَلَمْ يُؤْتَ سَعَةً مِنَ الْمَالِ قَالَ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاهُ عَلَيْكُمْ وَزَادَهُ بَسْطَةً فِي الْعِلْمِ وَالْجِسْمِ وَاللَّهُ يُؤْتِي مَلِكَهُ مَن يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ﴾ (بقره: ۲۴۷)
 ترجمه: (و پیامبرشان به آنان گفت: «در حقیقت خدا» **طالوت** «را به زمامداری شما برانگیخت. «گفتند:» چگونه حکومت بر ما از آن او باشد و حال آنکه ما از او [نسبت] به حکومت، سزاوارتریم، و [به او] از حیث مال، گشایشی داده نشده است؟! «[پیامبرشان] گفت:» براستی که خدا او را بر شما برگزیده و وسعتی در دانش و (نیروی) بدنش افزود و خدا فرمانروایی خویش را، به هر که (شایسته بدانند و) بخواهد می دهد و خدا گشایشگری داناست).

﴿أَوْ عَجِبْتُمْ أَنْ جَاءَكُمْ ذِكْرٌ مِنْ رَبِّكُمْ عَلَى رَجُلٍ مِنْكُمْ لِيُنذِرَكُمْ وَأَذْكُرُوا إِذْ جَعَلَكُمْ خُلَفَاءَ مِنْ بَعْدِ قَوْمِ نُوحٍ وَزَادَكُمْ فِي الْخَلْقِ بَصِطَةً فَاذْكُرُوا آيَةَ اللَّهِ لَعَلَّكُمْ تَفْلِحُونَ﴾ (اعراف: ۶۹)؛ ترجمه: (و آیا تعجب کرده‌اید که (دستور) آگاه کننده پروردگارتان به وسیله مردی از میانتان به شما برسد تا هشدارتان دهد؟! و یاد آرید هنگامی که (خدا) شما را پس از قوم نوح، جانشینان (آنان) قرار داد و گستره آفرینش شما را بیفزود؛ پس نعمت‌های خدا را به یاد آرید؛ تا شاید شما رستگار شوید).

همانگونه که ملاحظه می‌شود رسم الخط واژه در دو جا متفاوت است: در موضع اول با سین و در دومین موضع با صاد رسم شده است. در آیه اول (بقره: ۲۴۷) قاریان رسم الخط با سین را قبول دارند؛ اما در آیه دوم اختلاف قرائت قاریان مشهود است. نافع، بزی، ابن ذکوان، شعبه، کسایی و خلاد با صاد تلفظ کرده‌اند. قبیل، ابوعمرو، هشام و حفص با سین تلفظ کرده‌اند.^{۳۹} در مورد این دو واژه قرائت با سین اصل است و لیکن با صاد به دلیل مجاورت با طاء، به صاد تبدیل شده و این موضوع به دلیل صفات حروف از جمله؛ استعلاء، الاطباق و الاصمات است.^{۴۰} بنابراین در آیه اول بدون اختلاف و در آیه دوم قاریان اختلاف داشتند.

(د) حذف و اثبات نون

– واژگان «نُجِّي و نُجِّی»: واژگان فوق الذکر در چهار آیه از قرآن آمده و در دوجا با یک نون و در دو آیه دیگر با دو نون لفظ آورده شده:

– ﴿ثُمَّ نُجِّی رُسُلَنَا وَالدِّينَ آمَنُوا كَذَلِكَ حَقًّا عَلَيْنَا نُنَجِّ الْمُؤْمِنِينَ﴾ (یونس: ۱۰۳)؛

ترجمه: (سپس فرستادگانمان و کسانی را که ایمان آوردند، نجات می‌دهیم؛ همچنین بر ما حق است که مؤمنان را نجات دهیم).

﴿ثُمَّ نُنَجِّي الَّذِينَ اتَّقَوْا وَ نَذَرُ الظَّالِمِينَ فِيهَا جِثِيًا﴾ (مریم: ۷۲)؛ ترجمه: (سپس کسانی را که خودنگهداری (و پارسایی) کردند نجات می‌بخشیم و ستمکاران را، از پای در آمده، در آن (دوزخ) وا می‌گذاریم).

﴿فَاسْتَجِبْنَا لَهُ وَ نَجَّيْنَاهُ مِنَ الْغَمِّ وَ كَذَلِكَ نُنَجِّي الْمُؤْمِنِينَ﴾ (الأنبياء: ۸۸)؛ ترجمه: (و (دعای) او را پذیرفتیم و او را از اندوه نجات دادیم و این گونه مؤمنان را نجات می‌دهیم).

﴿حَتَّىٰ إِذَا اسْتَيْسَرَ الرُّسُلُ وَ ظَنُّوا أَنَّهُمْ قَدْ كَذَّبُوا جَاءَهُمْ نَصْرُنَا فَنُجِّيَ مِنْ نَشَاءٍ وَ لَا يُرَدُّ بَأْسُنَا عَنِ الْقَوْمِ الْمُجْرِمِينَ﴾ (یوسف: ۱۱۰)؛ ترجمه: (فرستادن پیامبران ادامه یافت) تا آنگاه که فرستادگان (الهی از ایمان آوردن مردم) ناامید شدند و دانستند که آنان تکذیب شده‌اند، (در این حال) یاری ما بدیشان رسید؛ پس هر کس را که خواستیم، نجات داده شد و [لی] سختی (مجازات) ما از گروه خلافکاران بازگردانده نشود).

حذف نون در دو آیه سور انبیاء و یوسف از اختلاف قرائاتی ناشی می‌شود که دلیل نحوی برای آن آورده‌اند: ابن عامر، عاصم و یعقوب در سوره یوسف به نون واحده مضمومه و بعد از آن جیم مشدده و بعد از جیم، یاء مفتوحه را به شکل «فُنْجِيَّ» قرائت کرده‌اند. قرائت بدین صورت، نشأت گرفته از آن است که فعل نامبرده مبنی مجهول است و «من» بعد از آن نائب فاعل است.^{۴۱}

نافع، ابن کثیر، ابو عمرو، حمزه، کسایی، ابو جعفر و خلف با دو نون قرائت می‌کنند که اولی مضموم و دومی ساکن است و بعد از نون دوم جیم مخففه و بعد از جیم یاء مدیه ساکنه و به صورت «فُنْجِيَّ» آمده است. این شکل قرائت به دلیل مضارع بودن فعل نامبرده بوده که از (أُنْجِيَّ) که مبنی معلوم است گرفته شده و

فاعل جمله ضمیری مستتر است که به الله برمی‌گردد و حرف «من» مفعول آن است.^{۴۲}

در مواضعی که به تثبیت نون در رسم الخط مصحف به کار رفته نیز میان قاریان در قرائت واژه اختلاف نظر است: یعقوب در آیه ۱۰۳ سوره یونس واژه را به اسکان نون دوم، مخفف خواندن جیم و یاء مدیه ساکن «نُجَی» قرائت کرده است. سایر قاریان با مفتوح خواندن نون دوم و تشدید جیم و یا مدیه ساکن پس از آن قرائت کرده‌اند «نُجَی». در آیه ۷۲ سوره مریم حفص، کسایی و یعقوب به اسکان نون دوم و مخفف خواندن جیم و یاء مدیه ساکن «نُجَی» قرائت کرده‌اند. سایر قاریان نون دوم را مفتوح و جیم را مشدّد و یاء بعد از آن را مدیه ساکن «نُجَی» قرائت کرده‌اند. دلیل این نوع قرائت، اشتقاق واژه از (أُنَجَی) رباعی است و تشدید آن از (نَجَی) که ثلاثی مضاعف است گرفته شده است.^{۴۳}

بنابراین در مواضعی که اختلاف رسم الخطی وجود دارد، میان قاریان ده گانه نیز در قرائت واژگان اختلاف وجود دارد. حال مهم‌ترین سوال آن است که آیا بین اختلاف رسم الخط واژگان و اختلاف قرائت، رابطه‌ای وجود دارد یا خیر؟ در پاسخ باید بیان کرد که در صورت مثبت بودن پاسخ سوال ذکر شده، چند پیش فرض به وجود می‌آید:

- اختلاف قرائت در اختلاف رسم الخط مصحف تأثیر داشته است (نظر استاد یعقوب جعفری که در پیشینه بحث شد).

- اختلاف رسم الخط مصحف در اختلاف قرائت تأثیر داشته است.

- رسم الخط و اختلاف قرائت با تقابل و تعامل در هم، در همدیگر تأثیر گذاشته‌اند (نظر دکتر محمد رضا حاجی اسماعیلی که در پیشینه بحث شد).

حال با طرح مباحثی که در ادامه به آن می‌پردازیم، بیان می‌کنیم که کدامیک از پیش فرض‌های فوق می‌تواند صحیح و یا صحیح‌تر باشد. در زمان پیامبر صلی

الله علیه و آله بیش از یک قرائت وجود نداشت و نصّ قرآن دچار قرائات مختلف نبود. گرچه اختلاف قرائات در مواردی به وجود آمد، اما با نظارت ائمه اطهار علیهم السلام نصّ قرآن، همواره ثابت ماند و آنان قرائت صحیح را بیان داشتند.^{۴۴} مرحوم علامّه معرفت رحمه الله بیان می‌کند: قرآن دارای نصّ واحدی است و اختلاف میان قراء بر سر به دست آوردن و رسیدن به آن نصّ واحد است... و قاریان قرآن (قراء معروف)، راویان و ناقلان همان قرآنی هستند که بر پیغمبر صلی الله علیه و آله نازل گردیده و اختلاف آنان از اختلاف در نقل و روایت آن نصّ، نشأت گرفته و آن به سبب عواملی مثل: ابتدایی بودن خط، نارسایی خط از هر گونه علائم و نقطه، اختلاف مصاحف اولیّه و ... است که این اختلاف را ایجاب کرده است.^{۴۵} در این زمینه که قرائت و کتابت در زمان حضرت پیامبر صلی الله علیه و آله واحد بوده احادیثی وجود دارد:

- امام صادق علیه السلام فرمود: «إِنَّ الْقُرْآنَ وَاحِدٌ نَزَلَ مِنْ عِنْدِ وَاحِدٍ وَ لَكِنْ الْاِخْتِلَافُ يَجِيءُ مِنْ قَبْلِ الرِّوَاةِ»؛^{۴۶} قرآن واحد است و از نزد واحد نازل شده و اختلاف در آن (اختلاف قرائات) از ناحیه راویان آمده است.

بنابراین و بی شک زمان پیامبر صلی الله علیه و آله قرائت و کتابت یکی بوده و احادیث دالّ بر نزول قرآن بر هفت حرف، مخدوش و ناصحیح هستند و بر اختلاف قرائات نیز اشاره ندارند.^{۴۷} بر اساس این مطلب، امکان تأثیر قرائت در رسم الخط وجود نداشته و با توجه به یکسانی قرائت، تحقق این امر حداقل در زمان پیامبر صلی الله علیه و آله محال است. سؤال بعدی این که آیا بعد از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله که اختلاف قرائات به وجود آمد، تأثیر و تأثری میان رسم الخط و اختلاف قرائات به وجود آمد یا خیر؟ باید دقت کرد که پس از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله قرآن چند بار جمع آوری و کتابت شد. ابتدا توسط حضرت علی علیه السلام که به اطاعت از دستور پیامبر صلی الله علیه و

آله صُحُف پراکنده موجود در بیت ایشان را گردآوری و بین الدفتین کرد و این گردآوری مورد عنایت خلیفه اوّل قرار نگرفت.^{۴۸} سپس جمع آوری خلیفه اوّل و در آخر مسئله گردآوری و توحید مصاحف در زمان خلیفه سوّم است. بنابراین ویژگی جمع آوری قرآن توسط علی علیه السلام آن است که همان اوراق قرآنی موجود در بیت پیامبر صلی الله علیه و آله را جمع آوری نمود، آن هم بدون کوچکترین تغییری و این اصالت جمع آوری و وثاقت از ویژگی‌های مصحف ایشان بود. شخصیت والای حضرت علی علیه السلام از لحاظ اولین مسلمان و مؤمن به خدا و پیامبر صلی الله علیه و آله، مسئله عصمت، مقام امامت و ولایت ایشان از منظر شیعه با تکیه بر نصّ قرآن و روایات فراوان شیعه و اهل سنت و به عنوان شخصی که همیشه با پیامبر صلی الله علیه و آله بود و با جریان وحی همگام و همراه بوده و اینکه در شأن و منزلت والا، صداقت و فضایل اخلاقی بی مانند ایشان، میان شیعه و اهل سنت شکی نیست؛ بنابراین موثق‌ترین، اصیل‌ترین و مورد تأییدترین قرائت، قرائت منقول از حضرت علی علیه السلام است که به قرائت عاصم مشهور است و این قرائت به اعتقاد جمهور علمای اسلام، دارای تواتر و تواتق است و سایر قرائت‌ها، خبر واحد و ضعیف هستند؛^{۴۹} اما رسم الخط مصحف که در سه دوره نگارش شد، به وسیله گروهی تدوین شد که به نظر می‌رسد در هر سه دوره، مصاحفی یکسان را نگاشتند و دلیل آن، نظارت زید بن ثابت در هر سه دوره بر نگارش قرآن بود. بعید است که نگارش‌ها در سه دوره تفاوتی کرده باشد؛ چون که خط در هر سه دوره، هیچ تغییر و تحوّل نداشت و کاتب اصلی و ناظر نیز یک نفر بود و اگر اختلافی در رسم المصحف می‌دید، در پی رفع آن اختلاف بر می‌آمد. البته در تحقیقات جدیدی که به وسیله باستان شناسان صورت گرفته، مشخص شده است که دلیل اختلافات موجود در خط مصحف وجود یک سری سنت‌ها و چارچوب‌های املائی بوده که در خط‌های

سایر بلاد وجود داشتند و وارد خط قرآن شد که در آنها، نگارش متفاوت واژگان همسان، جایز بوده است. ادله این گروه، سنگ نوشته‌ها و خطوط به جای مانده از زمان قبل از پیامبر صلی الله علیه و آله است که تفاوت رسم الخطی واژگان همسان، در آن وجود دارد^{۵۰} و نه اختلاف قرائات. بنابراین قرائت اصیل قرائت منقول از حضرت علی علیه السلام و رسم الخط اصیل، مشهور به رسم الخط مصحف و مورد تأیید اکثریت علمای علوم قرآن است که تا امروز دست نخورده به جای مانده است.^{۵۱} پس رسم الخط مصحف و اختلاف قرائات در همدیگر تأثیر نداشته‌اند و شاید در هنگامه شکل‌گیری قرائات غیر از قرائت عاصم، مهم‌ترین عامل یعنی نبود نقطه و اعراب در رسم الخط مصحف، موجبات شکل‌گیری قرائات مختلف توسط افراد و قاریان مختلف را به وجود آورد و در این حالت نیز، تنها رسم الخط مصحف در قرائات تأثیر داشته و نه بالعکس.

نتیجه‌گیری

دلایلی که در ماهیت رسم الخط مصحف و چگونگی شکل‌گیری تفاوت‌های رسم الخطی واژگان همسان در آن بود، به چند دسته تقسیم شد. عده‌ای رسم المصحف را توقیفی، از جانب خداوند و تفاوت‌های رسم الخطی واژگان موجود در آن را حاوی حکمت‌ها و اسرار دانسته‌اند. گروه دیگر رسم المصحف و تفاوت‌های موجود در آن را ناشی از غلط‌های املائی می‌دانند که توسط کاتبان وحی در مصحف نگاشته شد. اخیراً و پس از بررسی کتیبه‌ها و آثار نوشتاری به جای مانده در میان شبه جزیره عربستان، نظریه‌ای مطرح شد که براساس آن دلیل تفاوت‌های خطی واژگان همسان در رسم المصحف را مسئله استفاده کاتبان وحی از سنت‌های املائی خطوط قبل از قرآن در نگارش قرآن دانسته‌اند. سنت‌های املائی قوانین خطی بود که در زمان پیامبر صلی الله علیه و آله رایج بود. در

خط‌های موجود در کتیبه‌هایی که قبل از زمان نگارش قرآن ساخته شده بود، موارد تفاوت رسم الخطی واژگان همسان دیده شد که بر همین اساس، وجود این تفاوت‌ها را، امری رایج در خطوط قبلی دانست و ورود آن قوانین خطی به رسم الخط مصحف، موجبات تفاوت رسم الخطی واژگان همسان شد. در پژوهش حاضر چگونگی تفاوت‌های موجود در رسم الخط مصحف را از زاویه علم قرائات مورد بررسی قرار دادیم و به این نتیجه دست یافتیم که در مواضع اختلاف رسم الخط مصحف، اختلاف قرائات نیز وجود دارد ولی این مسئله، دلالت بر تأثیر و تأثر این دو در هم را ندارد. بنابراین اصیل‌ترین قرائت، قرائت منقوله از علی علیه السلام که مشهور به قرائت عاصم است تشخیص داده شد و رسم الخط اصیل نیز، همان است که مورد اجماع علما و مشهور به رسم الخط مصحف است. بنابراین رسم الخط مصحف و اختلاف قرائات هیچ ارتباطی به هم نداشته و شاید سایر قرائات به غیر از عاصم که ضعیف و واحد هستند، از رسم الخط مصحف برداشت‌های مختلفی کرده‌اند و این تأثیر رسم الخط مصحف در قرائات ضعیف را می‌رساند و نه عکس آن.

پی‌نوشت‌ها:

۱. پاکتچی، احمد، تأملاتی در مباحث فرهنگ اسلامی، ۲۱.
۲. تفکری، حسن، پژوهشی در رسم المصحف، ۷۶.
۳. پاکتچی، احمد، تأملاتی در مباحث فرهنگ اسلامی، ۲۰-۲۱.
۴. همان، ۱۹.
۵. ابن خلدون، المقدمة، ۸۴۳.
۶. باقلانی، ابوبکر، الانتصار للقرآن، ۵۴۷-۵۴۸.

۷. سیوطی، جلال الدین، تحقیق سعید المندوب، الاتقان فی علوم القرآن، ج ۴، ص ۱۶۸؛ کردی، محمد طاهر، تاریخ القرآن و غرائب رسمه و حکمه، ۱۶۲؛ کبری زاده، طاش، مفتاح السعاده و مصباح السیاده، ج ۲، ص ۳۷۲.
۸. جوان آراسته، حسین، درسنامه علوم قرآنی، ج ۱، ص ۱۷۷؛ خمینی، مصطفی، تفسیر القرآن الکریم، ج ۵، ص ۴۵۳.
۹. زمخشری، محمود، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، ۲۳۱؛ ابن منظور، ابوالفضل محمد بن مکرم انصاری، لسان العرب، ج ۱۲، ص ۲۴۱؛ زبیدی، محمد مرتضی، تحقیق: مصطفی حجاری، تاج العروس من جواهر القاموس، ج ۸، ص ۳۱۲؛ دهخدا، علی اکبر، لغت نامه دهخدا، ۱۰۶۰.
۱۰. فیومی، احمد بن محمد، مصباح المنیر، ج ۱، ص ۲۱۱؛ ابن منظور، ابوالفضل محمد بن مکرم انصاری، لسان العرب، ج ۷، ص ۲۸۷؛ زبیدی، محمد مرتضی، تحقیق: مصطفی حجاری، تاج العروس من جواهر القاموس، ج ۵، ص ۱۲۹.
۱۱. تفکری، حسن، پژوهشی در رسم المصحف، ۷۶.
۱۲. کردی، محمد طاهر، تاریخ القرآن و غرائب رسمه و حکمه، ۳.
۱۳. کردی، محمد طاهر، تاریخ القرآن و غرائب رسمه و حکمه، ۹۴؛ شملول، محمد، اعجاز رسم القرآن و تلاوته، ص ۳۰.
۱۴. باید توجه داشت الف کوچکی که به جای الف بزرگ بر روی برخی حروف نوشته می‌شود، در دوره‌های متأخر به جهت حفظ رسم المصحف و سهولت قرائت درج گردیده است.
۱۵. لازم به ذکر است که متأخرین، به جهت رسم المصحف و سهولت قرائت، یای محذوفه را، یای معکوسه کوچکی نشان می‌دهند.
۱۶. قاضی، عبدالفتاح، البدور الزاهره فی القرائات العشر المتواتره، ۲۲۳.
۱۷. ابن زنجله، ابوزرعه عبدالرحمن، حجه القرائات، ۴۹۸.
۱۸. محیسن، محمد، المغنی فی توجیه القرائات العشر المتواتره، ۳، ۱۷۸.
۱۹. ابن جزری، محمد، النشر فی القرائات العشر، ج ۲، ص ۲۲۵.
۲۰. مکی بن ابی طالب، الکشف عن وجوه القرائات السبع و عللها و حججها، ج ۲، ص ۱۴۶.
۲۱. ابن جزری، محمد، النشر فی القرائات العشر، ج ۲، ص ۳۳۴.
۲۲. مکی بن ابی طالب، الکشف عن وجوه القرائات السبع و عللها و حججها، ج ۲، ص ۱۴۶.
۲۳. مکی بن ابی طالب، الکشف عن وجوه القرائات السبع و عللها و حججها، ج ۲، ص ۲۳۱؛ نسفی، ابوالبرکات عبدالله، مدارک التنزیل و حقائق التأویل، ج ۴، ص ۴۴.

٢٤. ابن جزرى، محمد، تحبير التيسير فى قراءه الاثمه العشر، ١٧١.
٢٥. مكى بن ابى طالب، الكشف عن وجوه القراءات السبع و عللها و حججها، ج ٢، ص ٢٥٣؛ نسفى، ابوالبركات عبدالله، مدارك التنزيل و حقائق التأويل، ج ٤، ص ١٠٩.
٢٦. ابن جزرى، محمد، النشر فى القراءات العشر، ج ٢، صص ٣٦٧-٣٦٨.
٢٧. ابن مهران، المبسوط فى القراءات العشر، ص ٢٠٥.
٢٨. قاضى، عبدالفتاح، البدور الزاهره فى القراءات العشر المتواتره، ص ١٥٦.
٢٩. ابن جزرى، محمد، النشر فى القراءات العشر، ج ٢، ص ٣٣٦.
٣٠. مكى بن ابى طالب، الكشف عن وجوه القراءات السبع و عللها و حججها، ج ٢، ص ٣٢.
٣١. ابن جزرى، محمد، النشر فى القراءات العشر، ج ٢، ص ٣٣٦.
٣٢. مكى بن ابى طالب، الكشف عن وجوه القراءات السبع و عللها و حججها، ج ٢، ص ٣٢.
٣٣. داني، عثمان بن سعيد، المقنع فى رسم المصاحف الامصار، ١٠١.
٣٤. المارغنى، ابراهيم، دليل الحيران فى شرح مورد الظمان، ٢٤٧.
٣٥. ابن جزرى، محمد، النشر فى القراءات العشر، ج ٢، ص ٣١٠.
٣٦. هنداوى، على اسماعيل سيد، جامع البيان فى معرفه رسم القرآن، ١٣٠.
٣٧. قاضى، عبدالفتاح، البدور الزاهره فى القراءات العشر المتواتره، ص ٣٩ - ٤٠.
٣٨. سمين حلبى، شهاب الدين، الدرّ المصون فى علوم الكتاب المكنون، ج ١، ص ٣٥٩.
٣٩. قاضى، عبدالفتاح، البدور الزاهره فى القراءات العشر المتواتره، ص ١٥٠.
٤٠. مكى بن ابى طالب، الكشف عن وجوه القراءات السبع و عللها و حججها، ج ١، ص ٣٠٢؛ محيسن، محمد، المغنى فى توجيه القراءات العشر المتواتره، ١، ٢٦٠.
٤١. مكى بن ابى طالب، الكشف عن وجوه القراءات السبع و عللها و حججها، ج ٢، ص ١٧؛ محيسن، محمد، المهذب فى القراءات العشر و توجيهها، ج ١، ص ٣٤٧.
٤٢. همان.
٤٣. محيسن، محمد، المهذب فى القراءات العشر و توجيهها، ج ٢، ص ٥٢-٥٣.
٤٤. مؤدب، سيدرضا، نزول قرآن و رؤياى هفت حرف، ١٤٩.
٤٥. معرفت، محمد هادى، تاريخ قرآن، ١٤١.
٤٦. كلينى، محمد بن يعقوب، تحقيق: على اكبر غفارى و محمد آخوندى، الكافى، ج ٢، ص ٦٣٠.
٤٧. محمدى، محمد حسين، نقد ديدگاه نولدكه درباره رابطه قراءات و روايات سبعة احرف، ٩٨.

۴۸. جمعی از نویسندگان، علوم قرآن عند المفسرین، ج ۱، ص ۲۶۲.
۴۹. بشیری، مجید، بررسی اسناد قرائات هفت گانه در روایات فریقین، ۶۰؛ زمانی، محمد حسین؛ اله ورد، محمد مهدی، شکل گیری علم قرائات از دیدگاه بلاشر، ص ۴۹.
۵۰. قدوری الحمد، غانم، مقایسه ای بین رسم الخط مصحف و نقوش قدیم عربی، ۳۴-۴۱؛ پاکتچی، احمد، تأملاتی در مباحث فرهنگ اسلامی، ۱۹.
۵۱. ابن خلدون، المقدمه، ۸۴۳؛ باقلانی، ابوبکر، الانتصار للقرآن، ۵۴۷-۵۴۸؛ دانی، ۱۰؛ سیوطی، جلال الدین، تحقیق سعید المنسوب، الاتقان فی علوم القرآن، ج ۴، ص ۱۶۸؛ کردی، محمد طاهر، تاریخ القرآن و غرائب رسمه و حکمه، ۱۶۲؛ کبری زاده، طاش، مفتاح السعاده و مصباح السیاده، ج ۲، ص ۳۷۲؛ جوان آراسته، حسین، درسنامه علوم قرآنی، ج ۱، ص ۱۷۷؛ خمینی، مصطفی، تفسیر القرآن الکریم، ج ۵، ص ۴۵۳؛ معرفت، محمد هادی، التمهید فی علوم القرآن، ج ۱، صص ۳۶۹-۳۷۳؛ مراکشی، ابوالعباس، عنوان الدلیل، ص ۸۴؛ شملول، محمد، اعجاز رسم القرآن و تلاوته، صص ۱۸۶-۱۸۷؛ قلینی، سامح، الجلال و الجمال، ص ۴۹۲؛ زرقانی، عبدالعظیم، مناهل، ج ۱، ص ۳۱۱؛ صبحی صالح، مباحث فی علوم القرآن، ۲۷۷ و ۲۷۸ و ...

منابع:

قرآن کریم.

۱. ابن جزری، محمد، النشر فی القرائات العشر، قاهره، المكتبه التجاریه الکبری، چاپ اول، بی تا.
۲. _____، تجیر التیسیر فی قراءه الائمہ العشر، بیروت، دارالکتب العلمیه، چاپ اول، بی تا.
۳. ابن خلدون، المقدمه، ترجمه پروین گنابادی، قاهره، ۱۹۵۷ق.
۴. ابن زنجله، ابوزرعہ عبدالرحمن، حجه القرائات، بیروت، مؤسسه الرساله، چاپ سوم، ۱۹۸۲م.
۵. ابن منظور، ابوالفضل محمد بن مکرم انصاری، لسان العرب، مصر، المطبعه المصریه، ۱۳۰۰ق.

۶. ابن مهران، تحقیق: سبع حمزه حاکمی، المبسوط فی القرائات العشر، جده، دارالقبله للثقافه الاسلاميه، چاپ دوم، ۱۹۸۸م.
۷. باقلانی، محمد بن طیب، الانتصار للقرآن، عمان، دارابن حزم، ۱۴۲۲ق.
۸. بشیری، مجید، بررسی اسناد قرائات هفت گانه در روایات فریقین، مجله مطالعات تقریبی مذاهب اسلامی، شماره ۳۴، صص ۴۷-۶۱، ۱۳۹۲ش.
۹. پاکتچی، احمد، تحقیق: مرتضی سلمان نژاد، تأملاتی در مباحث فرهنگ اسلامی، تهران، انتشارات دانشگاه امام صادق علیه السلام، ۱۳۹۴ش.
۱۰. تفکری، حسن، پژوهشی در رسم المصحف، تهران، انتشارات پیام عدالت، ۱۳۸۵ش.
۱۱. جمعی از نویسندگان، علوم قرآن عند المفسرین، قم، مرکز الاعلام الاسلامی، ۱۴۱۶ق.
۱۲. جوان آراسته، حسین، درسنامه علوم قرآنی، قم، مؤسسه بوستان کتاب، چاپ سوم، ۱۳۷۸ش.
۱۳. خمینی، مصطفی، تفسیر القرآن الکریم، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمه الله، ۱۴۱۸ق.
۱۴. دانی، عثمان بن سعید، تحقیق: محمد صادق فمحاوی، المقنع فی رسم المصاحف الامصار، مصر، ۱۹۷۸م.
۱۵. دهخدا، علی اکبر، لغت نامه دهخدا، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۳۴ش.
۱۶. زبیدی، محمد مرتضی، تحقیق: مصطفی حجاری، تاج العروس من جواهر القاموس، الکویت، دارالتراث العربی، الطبعة الاولى، ۱۴۱۹ق.
۱۷. زرقانی، عبدالعظیم، تحقیق: فواز احمد زمرلی، مناهل العرفان فی علوم القرآن، بیروت، دارالکتب العربی، ۱۴۱۵ق.
۱۸. زمانی، محمد حسین؛ اله ورد، محمد مهدی، شکل گیری علم قرائات از دیدگاه بلاشر، مجله مطالعات قرائت قرآن، ۱۳۹۳ش، شماره ۳، صص ۳۱-۵۲.
۱۹. زمخشری، محمود، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، بیروت، دارالکتب العربی، ۱۴۰۷ق.
۲۰. سمین حلبی، شهاب الدین، تحقیق: علی محمد معوض، الدرّ المصون فی علوم الكتاب المکنون، بیروت، دارالکتب العلمیه، چاپ اول، ۱۹۹۴م.

۲۱. سیوطی، جلال الدین، تحقیق سعید المندوب، الاتقان فی علوم القرآن، لبنان، دارالفکر، ۱۴۱۶ق.

۲۲. شملول، محمد، اعجاز رسم القرآن و تلاوته، قاهره، دارالسلام، ۱۴۲۷ق.

۲۳. صبحی صالح، مباحث فی علوم القرآن، قم، شریف الرضی، ۱۳۶۸ش.

۲۴. فیومی، احمد بن محمد، مصباح المنیر، قم، مؤسسه دار الهجره، چاپ دوم، بی تا.

۲۵. قاضی، عبدالفتاح، البدور الزاهره فی القرائات العشر المتواتره، بیروت، دارالکتب العربی، چاپ اول، ۱۹۸۱م.

۲۶. قدوری الحمد، غانم، ترجمه: حسین علیتیان، مقایسه ای بین رسم الخط مصحف و نقوش قدیم عربی، مجله رشد آموزش قرآن، دوره پنجم، شماره اول، صص ۳۴-۴۱، ۱۳۸۶ش.

۲۷. کلینی، سامح، الجلال و الجمال فی رسم الكلمه فی القرآن الکریم، قاهره، ۱۴۲۹ق.

۲۸. کبری زاده، طاش، مفتاح السعاده و مصباح السیاده، مصر، دار الکتب الحدیثه، بی تا.

۲۹. کردی، محمد طاهر، تاریخ القرآن و غرائب رسمه و حکمه، جده، مطبعه الفتح، ۱۳۶۵ش.

۳۰. کلینی، محمد بن یعقوب، تحقیق: علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، الکافی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷ق.

۳۱. مارغنی، ابراهیم، دلیل الحیران فی شرح مورد الظمان، مصر، مکتبه الکلیات الازهریه، بی تا.

۳۲. محمدی، محمد حسین، نقد دیدگاه نولدکه درباره رابطه قرائات و روایات سبعة احرف، مجله مطالعات قرائت قرآن، ۱۳۹۴ش، شماره ۵، صص ۸۵-۱۰۲.

۳۳. محیسن، محمد، المهذب فی القرائات العشر و توجیها، قاهره، دارالنوار للطباعه، چاپ دوم، ۱۹۸۷م.

۳۴. _____، المغنی فی توجیه القرائات العشر المتواتره، بیروت، دارالجلیل، چاپ دوم، ۱۹۸۸م.

۳۵. مراکشلی، ابو العباس احمد بن البناء، عنوان الدلیل فی مرسوم خط التنزیل، بیروت، دار العرب الاسلامی، الطبعة الاولى، ۱۹۹۰م.

۳۶. معرفت، محمد هادی، تاریخ قرآن، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی، تهران، ۱۳۸۸ش.

۳۷. _____ التمهيد في علوم القرآن، قم، مؤسسه النشر الاسلامي.
۳۸. مكي بن ابى طالب، تحقيق: محيي الدين رمضان، الكشف عن وجوه القراءات السبع و
 عللها و حججها، بيروت، مؤسسه الرساله، چاپ اول، ۱۹۸۱م.
۳۹. مؤدب، سيدرضا، نزول قرآن و رؤياى هفت حرف، قم، دفتر تبليغات اسلامي، ۱۳۷۸ش.
۴۰. نسفى، ابوالبركات عبدالله، مدارك التنزيل و حقائق التأويل، بيروت، دارالقلم، چاپ اول،
 ۱۹۸۹م.
۴۱. هنداوى، على اسماعيل سيد، جامع البيان في معرفه رسم القرآن، رياض، دارالفرقان،
 ۱۴۱۰ق.